

تحلیل ضمانت‌های حفظ تناسب مجازات در صورت تعدد جرایم و تداخل مجازات در حقوق ایران

حمیدرضا محمودی^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۴

داوود داداش نژاد دلشاد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

مرتضی براتی^۳

چکیده

در نظام‌های حقوقی و جزایی پیشینی‌های قابل توجهی در صورت بروز تعدد جرم صورت گرفته است و متناسب با اصل تناسب جرم و جزا، بجاست که هر جرمی متناسب با پیش بینی قانونگذار مورد مجازات قرار بگیرد. اما گاه به دلیل تفاوت‌های مهمی که در سلسله طولی و عرضی جرایم وجود دارد و با توجه به اینکه در قانون تعداد تکرار، مسئله زمان آنها و انتساب مجازات به سطوح مختلف جرم محاسبه شده است، پژوهش در این باب ضرورت پیدا میکند. مقاله حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. لذا می‌توان از مستندات قانون تحلیل کرد و متوجه شد، نخستین گام در راستای درک این مسئله این است که به دنبال ضمانتهایی برای حفظ تناسب در تعدد جرم بگردیم. رویکرد به حفظ تناسب ما را به معنادرند دوباره مفاهیم مربوطه دعوت میکند. بر این اساس تعدد جرایم به حالت ارتکاب بیش از یک جرم بدون آنکه متهم یا عامل آن در هیچ محکمه ای محاکمه شده باشد گفته می‌شود. در ایران این تعدد در تعیین میزان جزا نقشی اساسی دارد و به دفعات و زمان آن مربوط است اما همه این مسائل ذیل حفظ رابطه تناسب جزا و جرم قرار دارد. با این حال، با تکیه بر نتایج این جستار، گاه علی‌رغم فرض گرفتن تناسب و اجرای عدالت مطلق در موارد تعدد جرم، تنها از طریق تجمیع مجازات‌ها حاصل شود، گاه جمع بین مجازات‌ها غیرممکن است. در این صورت، یا باید از اجرای عدالت شانه خالی کرده و تنها یکی از مجازات‌ها را به اجرا درآورد یا کاری عبث و بیهوده را تنها به بهانه حفظ ظاهری عدالت در پیش گرفت.

کلمات کلیدی: ضمانت، حفظ تناسب مجازات، تناسب جرم و جزا، تعزیر

^۱دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

hamanmahmoodi@gmail.com

^۲استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران (نویسنده مسئول)

dadashnejaddavood@yahoo.com

^۳استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

mortezabarati@chmail.com

اصل تناسب جرم و مجازات، از مهمترین اصول جزایی اسلام و از واجبات و الزامات مجریان حکومت اسلامی است، تاکید اسلام بر حد و مرز مشخص و معین برای مجازات ها از اینجا ناشی می شود که اسلام برای هر چیز اندازه و حدی قرار داده است خصوصاً برای مجازات ها که تحمیل درد و رنج و الزام خاص به انسان ها است و فقط بر اساس ضرورتها تعیین می شود. اعمال کیفر یا مجازات در تاریخ سابقه ای طولانی دارد. زیرا ابتدائی ترین جوامع نیز بدون داشتن حداقل ضوابط حقوقی قادر به ادامه حیات نبوده است. عکس العمل جزایی و جبران خسارت ناشی از پدیده کیفری ضروری شناخته شده است زیرا ضمانت اجراهای مدنی در حقوق خصوصی مثل جبران ضرر و زیان به تنهایی، عموماً و معمولاً بدون تأثیر بوده است و لذا جامعه ناگزیر است به تدابیر قهری متوسل گردد تا ضمن جبران نسبی صدمه، اجرای صحیح قانون و حفظ و صیانت جامعه تأمین شود. کیفر مرعوب کننده است و در مواردی عامل ترس و ارعاب نقش بازدارندگی دارد. انسان نسبت به حفظ حیات، آزادی، حیثیت و آبرو و مال خود علاقه دارد. بنابراین تهدید به سلب احتمالی (ارعاب) هر یک از این مواهب الهی برای ذی حق نگران کننده و بیم آور بوده و این خود وسیله ای است برای بازداشتن اشخاص از تعدی و تجاوز به حقوقی دیگران و جامعه. روش تحقیق در مقاله حاضر کیفی و مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است. در قسمت توصیفی به شرح و تعریف ارکان نظری بحث میپردازیم و در قسمت تحلیلی به شناسایی روابط تعدد جرایم و تداخل مجازات در پرتو تناسب جزا و جرم خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق

در زمینه تداخل مجازات در تعدد جرایم پژوهشهایی انجام شده است اما تا کنون تحقیقی در هیئت مقاله علمی که به این مسئله در پرتو مفهوم تناسب جرم و مجازات (که از مبانی زیربنایی و پیشینی فهم دقیق این رابطه است) اشاره کرده و بر آن تمرکز داشته باشد دیده نشده است. با این حال برخی منابع در اینجا گزارش میشوند که به موضوع فعلی نزدیک بوده اند: سمن عباس نیا (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان تداخل در مجازات جرایم جنسی در بستر مبانی فقهی و قانون مجازات اسلامی معتقد است که مسئله چالش برانگیز در رویایی رویی با جرایم جنسی هنگامی است که مجرمین مرتکب جرایم متعددی شده و در فواصل ارتکاب جرایم مجازات نمی شوند، وضعیت موجود مشتمل عنوان تعدد جرم می گردد. موارد تعدد جرم امری مهم و گاه پیچیده می باشد که در برخی موارد موجب تداخل مجازات و گاهی موجب عدم تداخل مجازات می شود. شناخت اصول و قواعد فقهی و حقوقی در حل این تعارض موثر است. ماحصل این پژوهش آن است که قانون گذار به پیروی از مشهور فقها در حل این تعارض از قاعده عدم تداخل مجازات ها استفاده می کند، مگر در مواردی که در قانون و فقه برای آن ترتیب دیگری اتخاذ شده باشد. در مسیر پیروی از نظر فقها در تعدد جرایم حدی یکسان، قاعده تداخل مجازات پذیرفته شده و در موارد دیگری قانون گذار در تعدد جرایم حدی تنها به اجرای مجازات اشد حکم کرده است. قانون گذار در مواردی چند نیز در برخورد با تعدد جرایم

مستوجب حد و تعزیر از قاعده اصلی عدول کرده و تنها اجرای مجازات حدی را برای مجرم در نظر گرفته است. قاعده پذیرفته شده توسط قانون گذار در فرض تعدد در جرایم مستوجب تعزیر قاعده تداخل مجازات ها است.

۲- مفاهیم اصلی

تناسب یا مناسبت در لغت به معنی هم شکلی و نزدیک به هم بودن است و در اصطلاح علوم قرآن، ربط دهنده بین آیات را گویند. از «تناسب» گاه با تعابیر «تناسق» و «اتساق» نیز یاد شده است. بدرالدین زرکشی می‌نویسد: "المناسبة فی اللغة: المقاربة و فلان یناسب فلاناً ای یقرب منه و یشاکله و منه النسب: الذی هو القریب المتصل: کالا خوین وابن العلم و نحوه" ترجمه: «مناسبت» در لغت یعنی نزدیک به هم بودن و فلان چیز با فلان مناسب است، یعنی بدان نزدیک است و همانند آن. واژه «نسب» نیز از همین ریشه است که همان خویشاوند نزدیک می‌باشد، مانند: دو برادر یا پسر عموها و جز آن. (زرکشی، ۱۲۹۳: ۳۷۲)

از نظر علم و منطق نیز یکی از ارتباطات دو مفهوم کلی (تباین، تساوی، عموم و خصوص من وجه و عموم و خصوص مطلق است). در بعضی از موارد مجازاتی در یک زمان و مکانی متناسب و در یک زمان و مکانی دیگر نامتناسب است چون در مبنای اصلی مجازات مشاهده شده است که حس انتقام جویی باعث عدم تناسب بین جرم و جزا است.

به اعتقاد بعضی از فقها تناسب مفهوم خود را از عدالت می‌گیرد عدالت از ریشه عدل است، واژه عدل در قرآن کریم با مشتقات آن ۲۹ بار تکرار شده است که به عقیده مفسران قرآن از دو بعد وصفی (اخلاقی- ایمانی) و عملی قابل ملاحظه است. عدالت در قرآن دارای مفاهیم موزون بودن، به مفهوم تساوی، عدالت به مفهوم استحقاق و رعایت اولویتها در افاضه یا عدم افاضه رحمت الهی به افراد، عدالت به مفهوم اعطای حق به ذیحق تعریف شده است بنابراین تناسب و عدالت با هم در ریاضیات و علوم انسانی با هم فاصله دارند چون تناسب ریاضی فقط تساوی دو نسبت کمی را نشان می‌دهد حال آنکه رفتارهای انسانی واجد وصف کیفیت هستند (احمدی فر، ۱۳۸۳: ۶۰). به طور کلی عناصر تناسب بیشتر بر اساس عناصر مادی، عدالت، روانی، تقصیر در فرایند شدت ارزیابی جرم مورد شناسایی قرار گرفته است. لذا هیچگونه ارتباط طبیعی یا اجتناب ناپذیر بین آنها وجود ندارد، این ارتباط فقط می‌تواند یک ارتباط قراردادی و نمادین باشد. عناصر اصل تناسب مجازات نه مبتنی بر یک تفکر بلکه بر اساس تفکرات مختلفی است که به وضعیت فرهنگی، اجتماعی هر جامعه بستگی دارد یکی از عناصر می‌تواند بر پایه مفهوم سزادهی به این معنی که مجرم باید به سزای اعمال خود که به ضرر دیگران است برسد.

ثانیا، بر مبنای اصل تناسب ترتیبی که شاخه‌ای از اصل کلی تناسب است، مجازات‌ها باید بر اساس شدت جرایم رتبه‌بندی شده باشند. عنایت به اصل مذکور، بستگی به رسالتی دارد که هر نظام کیفری در پی آن است.

ثالثیکی از عناصر تناسب مبتنی بر فایده گرایی است در این تفکر مجازات شدید از تفکر کاهش ضرر ناشی می شود و این مجازات باید تا حدی باشد که شر بدتر را دفع کند (شمس، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

علاوه بر مبارزه علیه بزه کاری و ایجاد نظم و امنیت در جامعه، قانون گذاران (جامعه) اهداف دیگری را نیز پیش بینی نموده اند (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۱۱۹). تناسب جرم و مجازات را می توان اینگونه تعریف کرد "ارتباطی است بین جرم و مجازات که باید بر اساس میزان و نوع صدمه و شخصیت مجرم و میزان رشد اجتماعی اشخاص و میزان تاثیری که برای برقراری تعادل روانی از دست رفته افراد اجتماع و ارباب جمعی و بازدارندگی توده مردم با لحاظ متغیرهای شدت و ضعف جرم بر مبنای ارزشهای ثابت برقرار شود (گلدوزیان، ۱۳۸۸: ۱۵۳). در مورد ماده ۱۰۶، شرایط زمانی، مکانی و اقتصادی مد نظر قرار نگرفته است چون شاید فردی بنا بر دلایل اقتصادی در زمانهای خاصی ناچار مرتکب جرمی شود که به علت شرایط خاص می باشد لذا لازم بود این موارد مد نظر قانونگذار قرار می گرفت در حال حاضر در کشور ما عده ای صاحب ثروتهای رانتهی کلانی شده اند که مجازات آنها اعدام نبوده است اما چطور ممکن است که جوانی که به خاطر نیاز شدید مالی خانواده اش چندین بار مرتکب سرقت شود و میزان آن کم هم باشد و هر بار حد بر او جاری شده باشد در بار سوم مستوجب مجازات اعدام باشد.

همچنین بر اساس مواد ۱۴۶ ق.ج.م.ا افراد نابالغ مسؤولیت کیفری ندارند. به نظر می رسد این مواد بویژه در مورد دختران نامتناسب باشد چگونه می توان در جهان کنونی دختر بچه ۹ ساله را مستوجب مسؤولیت کیفری دانست. البته تفسیر این موضوع خود نیاز به تحقیق جداگانه دارد. این ماده به نظر نگارنده نامتناسب می آید چون در موارد زیادی احتمال دارد مفعول سن کمتری به نسبت فاعل داشته باشد مثلاً جوان ۱۹ ساله هرگز تجربه جوان سی ساله مثلاً یک حقوقدان را ندارد و امکان دارد به دلایل زیادی که غیر قابل اثبات است مورد اغفال واقع شود لذا حد لواط برای فاعلی که شرایط احصان را ندارد و با رضایت فاعل و مفعول این عمل شنیع انجام گرفته است متناسب نیست چگونه می توان توجیه کرد که مجازات مفعول در قیاس با جوان سی ساله به مراتب آگاه تر از جوان ۱۹ ساله است مجازات اعدام باشد (زارع و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹). اصولی که مؤثر در تناسب میان جرم و مجازات است عبارتند از: الف- اصل کرامت بشری ب- اصل مساوات کامل بین افراد در اجرای احکام.

۲-۱ جایگاه تناسب در تعدد جرم و تداخل جزا

با دقت در ماده ۷۲ ق.م.ا می توان قواعد عمومی تعدد جرم در جایگزین های حبس را استنباط کرد:

۱. قانونگذار با توجه به خطرناکی مجرمان مشمول قواعد تعدد جرم، در مقایسه با مجرمانی که مرتکب یک جرم شده اند، افراد مشمول قواعد تعدد جرم را با وجود شرایطی، از نهاد ارفاقی جایگزین حبس محروم می کند، که کلیت چنین برخوردی صحیح و منطقی است، ولی جزئیات این امر و نیز پیامدهای عملی چنین رویکردی نیاز به تأمل و دقت بسیار دارد.

۲. منظور از تعدّد جرم در ماده ۷۲ ق.م.ا فقط شامل تعدّد مادی در جرایم تعزیری و یا حتی تعدّد بین حدّ و تعزیر یا قصاص و تعزیر می‌شود (تعدّد نتیجه نیز که در حکم تعدّد مادی بوده مشمول این ماده می‌شود)، ولی تعدّد معنوی را در بر نمی‌گیرد، زیرا تصریح این ماده به تعدّد «جرایم عمدی» است که ظهور در تعدّد مادی دارد، در حالی که تعدّد معنوی تعدّد «عناوین» مجرمانه است.

۳. ظاهر ماده ۷۲ ق.م.ا تنها تعدّد جرایم «عمدی» را مانع استفاده از جایگزین حبس می‌داند و قانونگذار در پی تحقق این هدف بوده است که تعدّد جرایم غیرعمدی مانع استفاده از جایگزین حبس نشود، ولی با وجود این، ممکن است حالتی رخ دهد که اراده قانونگذار تأمین نشود و تعدّد جرایم غیرعمدی نیز مانع استفاده از جایگزین حبس شود. به عنوان مثال، فردی مرتکب جرمی عمدی با مجازات ۳ ماه تا ۱ سال حبس (درجه ۶) شود و سپس مرتکب ۳ جرم غیرعمدی دیگر با مجازات ۲ ماه تا ۱ سال حبس (درجه ۶) شود. در این حالت ظاهراً وضعیت وی به دلیل آنکه در شمول تعدّد جرایم عمدی نبوده، مشمول مانعیت موجود در ماده ۷۲ ق.م.ا نمی‌شود، ولی از طرفی به دلیل آنکه تمام جرایم وی از درجه ۱ تا ۶ هستند، این شخص مشمول قواعد تعدّد مادی در ماده ۱۳۴ ق.م.ا می‌شود، که پس از اعمال مقررات تعدّد، «مجازات قانونی» تمام جرایم وی بیش از ۱ سال تا یک سال و نیم خواهد بود، که در این صورت به دلیل آنکه مجازات قانونی جرمی عمدی او بیش از ۱ سال خواهد شد، جرم عمدی وی از شمول مجازات‌های جایگزین حبس خارج می‌شود، در حالی که شاید جرم مذکور به دلیل ماهیت و شرایط ارتكابی استحقاق اعمال جایگزین‌های حبس را داشته باشد. به اعتقاد نگارنده در این گونه موارد، ملاک مجازات قانونی همین مجازاتی است که در حالت تعدّد بر جرم ارتكابی مترتب می‌شود، همان گونه که در موارد تکرار خاصّ جرایم، مجازات تشدید شده که در قانون ذکر می‌شود مبنای مجازات قانونی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، در جرم راندگی بدون پروانه (ماده ۷۲۳ ق.م.ا تعزیرات)، ارتكاب این جرم در مرتبه اول دارای مجازات حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات بوده و تکرار آن در مرتبه دوم مجازات حبس از دو ماه تا شش ماه را در پی خواهد داشت و همین مجازات ملاک تعیین مجازات قانونی محسوب می‌شود. در خصوص موضوع مورد بحث در این قسمت نیز هر چند قانونگذار مجازات قانونی جرم را ذکر نکرده است، با ایجاد قواعد تعدّد جرم، در عمل قاعده‌ای برای تعیین مجازات قانونی قرار داده است.

۲-۲ تحلیل عوامل مشدده و ایجاد تناسب

چنانچه دو جرم عمدی مشمول مانعیت ماده ۷۲ ق.م.ا شوند، نسبت به فرد مذکور و تمام جرایم او (و نه جرایم عمدی وی) امکان صدور حکم به مجازات جایگزین حبس وجود ندارد. به عنوان مثال، چنانچه شخصی مرتکب دو جرم عمدی شود که مجازات قانونی یکی از آنها تا ۳ ماه حبس (درجه ۸) و جرم عمدی دیگر او دارای مجازات ۳ ماه تا ۱ سال حبس (درجه ۶) باشد، به دلیل آنکه مشمول مانعیت ماده ۷۲ قرار گرفته است (بین دو جرم عمدی وی تعدّد وجود دارد و مجازات یکی از آنها بیش از ۶ ماه حبس است)،

امکان اعمال مجازات جایگزین حبس نسبت به هیچ یک از جرایم او وجود ندارد. حال، اگر این شخص افزون بر آن دو جرم، مرتکب جرمی غیر عمد با مجازات قانونی ۲ ماه تا ۶ ماه (درجه ۷) نیز شده باشد، به دلیل آنکه اطلاق موجود در انتهای ماده ۷۲ ق.م.ا شامل جرم غیر عمدی او نیز می‌شود و هیچ قرینه‌ای مبنی بر اینکه فقط جرایم عمدی وی مشمول جایگزین حبس نشوند نیز وجود ندارد، پس نسبت به جرم غیر عمدی او نیز امکان صدور حکم به جایگزین حبس وجود ندارد. در این حالت، شخص مورد نظر، به دلیل آنکه از قواعد صدر ماده ۱۳۴ ق.م.ا نیز بهره نمی‌برد (جمع مجازات‌ها بر اساس تبصره ۴ ماده ۱۳۴ ق.م.ا در خصوص تعدد بین تعزیر درجه ۶ با درجه‌های ۷ و ۸)، مجازات‌های وی جمع شده و باید نسبت به تمام آنها محکوم به حبس شده و تمامی مجازات‌های او نیز جمع و اجراء شود، حتی نسبت به جرم عمدی او که مجازات آن تا ۳ ماه حبس است. جرایم غیر عمدی در حالت شمول و عدم شمول ذیل عنوان تعدد مادی جرم در ماده ۱۳۴ ق.م.ا و تعامل آن با مقررات جایگزین حبس، از نظر میزان مجازات قابل اعمال بر فرد، دچار تبعیض ناروا و شدیدی می‌شوند. به عنوان مثال، فردی مرتکب ۳ جرم غیر عمدی درجه ۶ با مجازات قانونی ۶ ماه تا ۱ سال می‌شود. در این حالت تمام جرایم وی مشمول ماده ۱۳۴ ق.م.ا می‌شود و یک مجازات قابل اجراء است، که به عنوان مثال دوره مراقبت وی حداکثر ۲ سال است. ولی فردی که مرتکب ۳ جرم غیر عمدی درجه ۷ با مجازات قانونی ۱ تا ۵ ماه شده باشد، مجازات‌های وی جمع شده و حداکثر دوره مراقبت وی ۳ سال بوده و بر اساس تبصره ۴ ماده ۱۳۴ ق.م.ا. تمام آنها جمع و اجراء می‌شوند و نسبت به حالت قبل که جرایم شدیدتری مرتکب شده به مجازات جایگزین حبس بیشتری محکوم می‌شود. حال، حکم حالتی را فرض نمایم که این دو شخص در هر یک از این صور مرتکب ۲۰ جرم شده باشند. ۲۰ جرم غیر عمدی درجه ۶ حداکثر ۴ سال دوره مراقبت دارد، ولی ۲۰ جرم غیر عمدی درجه ۷ می‌تواند تا ۲۰ سال دوره مراقبت داشته باشد.

حال، چنانچه همین مقایسه را در خصوص میزان جزای نقدی که بیشترین استفاده در بین اقسام مجازات‌های جایگزین حبس را دارد انجام دهیم، در خواهیم یافت که میزان جزای نقدی قابل اجراء برای شخصی که ۲۰ جرم غیر عمدی درجه ۶ مرتکب شده ۹۹ میلیون ریال است (معادل ۹ میلیون و نهصد هزار تومان)، ولی ۲۰ جرم غیر عمدی با مجازات قانونی تا ۶ ماه حبس (درجه ۷)، یک میلیارد و نهصد و هشتاد میلیون ریال جزای نقدی ثابت (معادل ۱۹۸ میلیون تومان جزای نقدی) خواهد داشت، که تمام این جزای نقدی باید وصول شود. چنین اتفاقی در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس افزون بر آنکه اصل تناسب بین جرم و مجازات را مخدوش می‌کند باعث متروک ماندن این نهاد ارفاقی خواهد شد، که افزون بر بازگشت حبس‌های کوتاه مدت با آثار منفی آن، از پیامدهای اصلاح و درمانی در جایگزین‌های حبس محروم خواهیم شد. همچنین، عدم تغییر مجازات در جرایم درجه ۶ با هر تعداد و فقط اجرای یک مجازات جایگزین حبس، برخلاف نظریه بازدارندگی حاشیه‌ای خواهد بود که بر اساس آن ارتکاب جرایم بعدی توسط بزهکار باعث بی‌هزینه شدن این جرایم خواهد شد (جوان‌جعفری بجنوردی، ساداتی، ۱۳۹۴: ۷۰) و در این حالت ارتکاب هر تعداد از جرایم

برای مرتکب جرم هیچ هزینه‌ای در پی نخواهد داشت و منفعت محض محسوب می‌شود (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۰۰).

نظر به اینکه در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، مجازات‌های تعزیری طبق ماده ۱۹ به ۸ درجه تقسیم‌بندی شده است، قانونگذار در تبصره ۴ ماده ۱۳۴ ابتکار جدیدی به کار برده است. طبق این تبصره مقررات مربوط به تعدد جرم در مورد جرایم تعزیری درجه‌های هفت و هشت یعنی جرایم سبکتر و کوچکتر اجرا نمی‌شود و این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌شود. ممکن است در حالتی با مجرمی مواجه شویم که مرتکب جرایم حدی یا مستوجب قصاص و نیز مجازات مستوجب تعزیر شده باشد، در این خصوص قانونگذار تکلیف می‌کند که ابتدا مجازات‌ها برای هر جرمی تعیین و سپس با هم جمع شوند البته در زمان اجرا ابتدا حد یا قصاص اجرا می‌شود. طبق تبصره ماده ۱۳۵ در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد، مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، با اینکه هر یک از این جرایم مجازات خاص خود را دارند، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم و مجازات تعزیری ساقط می‌شود، مگر آن که جرم قذف باشد که شخص به مجازات توهین و نیز به مجازات قذف محکوم می‌شود (بسامی، ۱۳۹۵: ۸۱).

۳- نتیجه‌گیری

پيامدهایی که از تعامل و تقابل تعدد جرم در جایگزین‌های حبس با سایر نهادهای قانونی مشخص می‌شود نه تنها باعث ناکارآمدی این نهاد قانونی شده بلکه به نظر می‌رسد این شیوه قانونگذاری در خصوص تعیین مجازات در جایگزین‌های حبس نه تنها با اهداف ناظر بر نظریه سزاگرایی بلکه با اهداف بازپرورانه و بازدارنده نیز در تقابل و تعارض است. تعیین کیفر در حالت تعدد جرم نسبت به مجازات‌های جایگزین حبس، از آن جهت با رویکرد سزادهی در تعارض است که در جرایم متعدد و شدید که مرتکب استحقاق مجازات و سرزنش بیشتری را دارد، در برخی حالات، تعدد جرم باعث تخفیف در مجازات می‌شود. از آن جهت با رویکرد بازپروری و اصلاح و درمان منافات دارد که مقررات مربوط به جایگزین به نحوی نگاشته شده‌اند که قاضی مجبور می‌شود در جرایم خفیف و سبک، میزان مجازات جایگزین حبس را به گونه‌ای سنگین و شدید تعیین کند که برای مخاطبی که شاهد اجرای جایگزین‌های حبس است هیچ نشانه‌ای از رویکرد اصلاح و درمان دیده نشود، بلکه به مخاطب القاء می‌کند که چنین قضاوت و تعیین کیفری که از روی الزام قانونی بوده در جهت سزاگرایی و استحقاق مجرم به دلیل ارتکاب جرایم متعدد است و این تعارض را در پی دارد که چرا با هدف استفاده از مجازات‌های بازپرورانه ولی همسو با سزاگرایی به تعیین کیفر پرداخته می‌شود. یکی از معیارهای تناسب جرم و مجازات تطبیق مجازات جرایم مختلف با ماهیت یکسان است به گونه‌ای که باید حداکثر تناسب بین جرم و مجازات وجود داشته باشد این عدم تناسب در مواردی به نظر نگارنده تحقیق در قانون مبارزه با مواد مخدر دیده می‌شود مثلاً مجازات حمل بیش از ۳۱ گرم مواد مخدر اعدام است و فرقی

میان مجازات حمل ۴۰ گرم مواد مخدر با ۵۰ کیلو حمل مواد مخدر وجود ندارد یا مواردی از عدم تناسب در مواد ۲۵، ۱۰۶، ۱۲۱، ۱۳۶، ۱۴۶، ۲۳۴، ۲۸۶، ۳۸۴ ق.م.ج.ا دیده می شود. عدم رعایت تناسب جرم و مجازات آثاری دارد که باعث می شود به اصول مهمی که در جهان امروزی به آن اشاره شده است توجه نشود از جمله در موارد ذیل:

الف- اصل کرامت بشری ب- اصل مساوات کامل بین افراد در اجرای احکام ج- اصل عدالت د- اصل تناسب جرم و مجازات در ایجاد اعتماد در جامعه و- اصل تناسب جرم و مجازات در تأمین حقوق فطری و الهی انسان ه- اصل تناسب جرم و مجازات به دلیل اثر آن بر نظم عمومی اقتصادی. بر این اساس، ضمانت اجرای عدم تناسب میان جرم و مجازات اعاده دادرسی می باشد چون اعاده دادرسی یکی از طرق فوق العاده شکایت از احکام نزد دیوان عالی کشور (به عنوان بالاترین مرجع قضایی کشور) است که به موجب آن محکوم علیه با ارایه دلایلی که در زمان صدور حکم مخفی بوده یا راجع به عدم تناسب مجازات با جرم به علت اشتباه قاضی باشد و یا به موجب قانون جدیدی است که مبتنی بر کاهش مجازات باشد، درخواست می- نماید تا به تزلزل قطعیت حکم و رسیدگی مجدد اقدام شود.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۰). حقوق جزای عمومی. تهران: میزان.
۲. بسامی، مسعود (۱۳۹۵)، تعدد اعتباری جرم در رویه قضایی و دکرین، چاپ سوم، تهران: نشر خرسندی.
۳. پرچمی، داود، درخشان، فاطمه (۱۳۹۷). «بررسی مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرم»، مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۴۰.
۴. توجّهی، عبدالعلی (۱۳۹۶). آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲، چاپ چهارم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۵. جعفری، مجتبی. (۱۳۹۲). جامعه شناسی حقوق کیفری؛ رویکرد انتقادی به حقوق کیفری. تهران: میزان.
۶. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا، ساداتی، محمدجواد (۱۳۹۴). ماهیت فلسفی و جامعه‌شناختی کیفر، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۷. رضوانی، سودابه (۱۳۹۶). مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۸. شاکری، ابوالحسن، حیدری، سید مسعود (۱۳۹۶). «تقابل مجازات جایگزین حبس با قانون وصول در حقوق ایران»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، پاییز، دوره نهم، شماره ۳.
۹. شمس ناتری، محمدابراهیم، ریاحی، جواد (۱۳۹۱). «ارزیابی مجازات‌های اجتماعی مندرج در لایحه مجازات اسلامی در پرتو الگوی جایگزینی»، حقوق اسلامی، تابستان، سال نهم، شماره ۳۳.
۱۰. صفاری، علی (۱۳۸۶). کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

۱۱. غلامی، حسین، خاکساری، داوود (۱۳۹۸). «عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس»، پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲۶.
۱۲. قیاسی، جلال‌الدین و یآوری، احسان (۱۳۹۴)، «حکم جرایم مرتبط در جرایم تعزیری»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲، ۱۷۹-۱۵۵.
۱۳. مهدوی‌پور، اعظم، دارابی پناه، شهین، شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۷). «بررسی جایگزین‌های زندان با تکیه بر دیدگاه زندانیان»، پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲۳.
۱۴. نورپور، محسن، احمدی، مسعود (۱۳۹۱). «جایگزین‌های نوین حبس در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی»، وکیل مدافع، شماره‌های ۶ و ۷.
۱۵. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۰). «از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی‌شده»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱.